

گیلان - پژوهشگاه

# جیلر

۳۲

شهریور و مهر ماه ۷۱

سال اول، شماره سوم و چهارم - ۵۲ صفحه، ۵۰۰ ریال



ناموازه های جغرافیایی گیلان (زونگا)

چی سوچان (در آکولا)

بانک اطلاعات و مدارک دریای خزر

بررسی میزان انطباق توریسم با فعالیتهای اقتصادی

و شرایط محیطی استان گیلان

هجوم روشهای قدیم به طبرستان

گزارشی از اولین نمایشگاه ناشران کتاب در گیلان

پای صحبت سینماگر جوان گیلانی، «فرهاد مهرانفر»

ورزا جنگ (جنگ گاوهاي زر)

فریاد دیلمان

تی تی کاروانسرا و فروپاشی تدریجی آن

پرندگان در باور مردم گیلان و دیلمستان

طرح ایجاد مرکز گیلان شناسی

واژه های روسی در زبان گیلکی

و ...

## ادبیات گیلکی

حاجی رضا مطبعه

## دراین شماره می خوانید:

### مطالب فارسی:

- پله گل، صفحه ۳ ● اخبار فرهنگی، هنری، ادبی، علمی، ص ۴ ● روشانی بعداز تاریکی (بادی از حاجی رضامطبعه)، ص ۶ ● بررسی میزان انطباق توریسم با فعالیتهای اقتصادی و شرایط محیطی استان گیلان (سیدحسن معصومی اشکوری)، ص ۷ ● باید به سروچشمها نزدیک شد (پایی صحبت سینماگر جوان گیلانی فرهاد مهران فر)، ص ۱۰ ● گیلان شناسی در خارج از کشور (کاسپیا)، ص ۱۳ ● نامواژه‌های چهارفایابی گیلان، زونگا (ایرج شاععی فرد)، ص ۱۴ ● پرنده‌گان در باور مردم گیلان و دیلمستان (محمود پاینده لنگرودی)، ص ۱۶ ● مهاجرت زودرس پرنده‌گان، ص ۱۷ ● چی سوچان یا دراکولا (دکترسید حسن تائب)، ص ۱۸ ● نامه‌های فرهنگی، فربولی (مهندس محمد باقری)، ص ۲۰ ● واژه شناسی شرفشاه (عباس حاکی)، ص ۲۲ ● اولين نمایشگاه کتاب ناشران ایران در گیلان، ص ۲۳ ● ورزش جنگ (د- ل - رابینو، ترجمه عبدالحسین ملک زاده)، ص ۲۸ ● تحلیل لنفوی واژه گیلکی ویشتا (دکتر میراحمد طباطبائی)، ص ۳۱ ● بانک اطلاعات و مدارک دریای خزر (دانشگاه گیلان)، ص ۳۲ ● طرح ایجاد مراکز گیلان شناسی (سروش سپهی)، ص ۳۴ ● تی تی کاروانسرا (احمد علی کریمی)، ص ۳۶ ● واژه‌های روسی در زبان گیلکی (جاویدان زرگری)، ص ۳۷ ● عارفان گیلی و دیلمی (احمد اداره چی گیلانی)، ص ۴۱ ● در چه ماهی از سال هستیم، ص ۴۱ ● قهرمانان حمامی شمال ایران، مرزبان دیلمی (جهانگیر سرتیپ پور)، ص ۴۲ ● خوشنویسان گیلان (حسین بلادی چولابی)، ص ۴۹ ... ۵۰

### مطالب گیلکی:

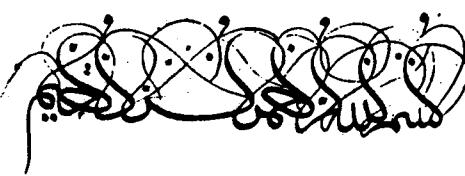
- دوبیتی‌های عارفانه (محمدتقی بیرکاری)، ص ۲۲ ● فریاد دیلمان (عبدالرحمن عمامی)، ص ۲۶ ● ادبیات گیلکی راجع به اوضاع گیلان، ص ۴۳ ● شعر گیلکی (نادرز کی پور، جواد شاععی فرد، غلامحسن عظیمی)، ص ۴۴ ● آهنگهای محلی شمال ایران، ص ۴۵ ● نقلستان (آجاریا، آجار پوشته)، ص ۴۶ ● نیوج البلاوه به زبان گیلکی (ترجمه م.ب. جكتاجی)، ص ۴۹ ● دو حکایت مازندرانی، ص ۴۹ ... ۵۰

## برگ تقاضای اشتراک گیلهوا (یکساله)

شغل	سن	نام و نام خانوادگی نشانی دقیق
تلفن	کد پستی	

حق اشتراک داخل کشور ۱۵۰۰۰ ریال - حوزه خلیج فارس و جمهوریهای شوروی سابق ۱۵۰۰۰ ریال  
اروپا ۱۸۰۰۰ ریال - آمریکا و ازبکستان ۲۳۰۰۰ - استرالیا ۲۵۰۰۰ ریال

فرم بالا یا فتوکپی آن را پر کرده همراه فیش بانکی به مبلغ حق اشتراک مورد نظر به حساب جاری شماره ۱۶۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه مرکزی رشت به نام محمدتقی پور احمد به نشانی گیلهوا (رشت - صندوق پستی ۴۱۷۴ - ۴۱۶۳۵) ارسال نمایند.



۲۳ و ۲۴

شهریور و مهر ماه ۷۱

## گیل

ماه‌نامه فرهنگی / هنری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمدتقی پور احمد جكتاجی

عنوان پشت جلد:

مسجد لاکانی رشت در گذشته



حروفچینی: کوهی

لیتوگرافی و چاپ:

رشت - جاوید (میدان گلزار)

تلفن: ۲۲۵۷۹

- گیلهوا در حق و اصلاح و تلحیح مطالب واردۀ آزاد است.
- مطالب رسیده مسازگردانه نمی‌شود.
- چاپ هر مطلب بمعنای تایید آن نیست.
- استفاده فرهنگی از مطالب به شرط ذکر مأخذ آزاد و استفاده انتفاعی از آن منوط به اجازه کننی است.

نشانی:

رشت - صندوق پستی ۴۱۷۴ - ۴۱۶۳۵

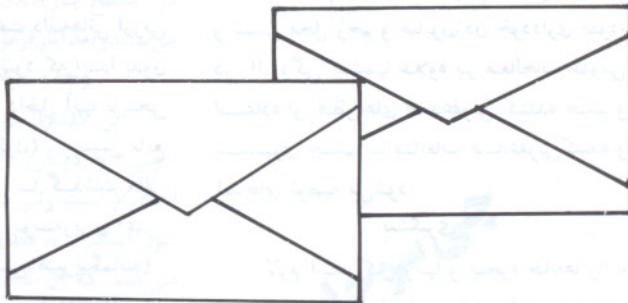
به یاد سرزمین محبوبه گیلان

نام فریولی در اصل «فروم یولیوس» یعنی مقر ژولیوس (سزار) بوده است. ساکنان ناحیه فریولی مردمی سخت کوشند که به سرزمین خود دلبستگی فراوان دارند. این ناحیه در جنگهای جهانی اول و دوم صحنه در گیریها و مصیبت‌های فراوانی بوده است. پیش از آن نیز بارها آماج تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته، از جمله هجوم ترکهای عثمانی در قرون پانزدهم میلادی که خاطرۀ تلخ آن هنوز از یادها نرفته است.

لئوناردو داوینچی در هنگام این حمله به ناحیه فریولی آمد و برای ساختن استحکاماتی بر رود ایزوونتسو\*\* طرح‌های داد تاره مبارجان را سد کند. پازولینی شاعر و ادیب معاصر ایتالیایی اهل «کازارسا»ی فریولی بود و نمایشنامه‌ای به گویش فریولی لاتو با عنوان «ترکها در فریولی» نوشته است. آرتورو مالینیانی دانشمندی از این ناحیه بود که کار اختراع لامپ بر ق راتکمیل کرد و ابداع وی مورد استفاده ادیسون قرار گرفت.

ناحیه فریولی از لحاظ فرهنگی نیز غنی است و ترانه‌های فولکلوریک زیبایی دارد. شاعرانی هم هستند که با سروdon اشعاری به گویش محلی در جستجوی حفظ و پیوایی آن می‌کوشند. «مرکز فرهنگی فریولی» در شهر اودینه (مرکز فریولی) کار پژوهش و انتشار آثار مربوط به زبان و فرهنگ فریولی را حمایت و سازماندهی می‌کند. ترانه‌ها و سرودهای فریولی آیینه‌ای از آرزوها، تلاشها، رنجها و شکیهای مردمی است که در دامان طبیعت سخاوتمند، روزی خود را از دل خاک بیرون کشیده‌اند، در جهانی پر آشوب با دشمنان جنگیده‌اند، به جستجوی کار تا سرزمینهای دور دست کوچیده‌اند و سرانجام به زادگاه محبوب خود باز گشته‌اند.

آنچه در پی می‌آید، ترجمه دونمونه از این سرودهاست. «ستاره‌های آلپ» نام گلهای سفید کوچک است که در کوههای آلپ می‌روید و در ادبیات حمامی فریولی مظهر مبارزه، عشق و شهادت است (همچنان که در فرهنگ ما گالا لاله این نقش را دارد). این سرانه در مراسم بزرگداشت شهیدان خوانده می‌شود و به گفتهٔ یکی از منقادان ادبی، از حد یک اثر بومی فراتر رفته و آوازه جهانی یافته است.



## نامه‌های فرهنگی

### فریولی

مهندس محمد باقری

منظور از نامه‌های فرهنگی آن دسته نامه‌هایی است که معمولاً میان دو نفر دوست اهل قلم و هنر مبادله می‌شود. حتی ممکن است نویسنده‌گان این گونه نامه‌ها هم‌دیگر را ندیده باشند اما سالها با هم مکاتبه داشته باشند. مفاد این گونه نامه‌ها باستثنای یکی دو مطری اول یا آخر که جنبهٔ خصوصی دارد، بقیهٔ متن ضمن نکات فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند حتی برای عموم جذبه داشته باشد و اهمیش کمتر از یک مقاله نباشد. از این‌رو گاهی لازم است به مناسبتهایی که پیش می‌آید، بطریقی معقول از آنها استفاده کرد. گیله‌ها و امیدوار است هر بار به ضرورتی این شیوه را دنبال کند.

خودمان می‌اندازد. یکی از مهندسان اینجاً می‌گفت که سی سال پیش این منطقه صرفاً کشاورزی بود و طی این مدت از لحاظ صنعتی پیشرفت کرده‌است. به هر حال از طرفی آدم فکر می‌کند روزی سرزمین ما به این سطح خواهد رسید. از طرف دیگر مشاهده شیوه زندگی و مقایسه پیشرفت اینها با خودمان آدم را غمگین می‌کند. به تعییر دیگر معلوم می‌شود که برای پیشرفت مملکت همه باید بیشتر تلاش کنند. ... زبان مردم اینجا فریولانو است که در واقع گویشی از ایتالیایی است و پیوندهایی با لاتین، فرانسه و آلمانی دارد. من قدری هم از آن یاد گرفته‌ام. رابطه‌اش با ایتالیایی مثل رابطه گیلکی و فارسی است. وقتی با یکی از اینها قدری فریولانی صحبت می‌کنی خیلی ذوق زده می‌شوند....

محمد باقری

آقای جكتاجی عزیز  
... محل کارم شهر کوچک و زیبا و قدیمی اودینه در شمال شرقی ایتالیاست این منطقه بین کوههای آلب و دریاچه آدریاتیک واقع شده و نزدیک مرز یوگسلاوی است. مردم شمال ایتالیا سطح فرهنگشان از نواحی جنوب بالاتر است (مثل خیلی کشورهای دیگر)! آب و هوای اینجا و طبیعت این حوالی خیلی شبیه گیلان است. در این جا زندگی مدرن با حفظ معماری سنتی و مراقبت از محیط زیست همراه است. همان طور که در این کارت می‌بینید در کنار ساختمانها و مجسمه‌های قدیمی پشت بامهای سفالی مرتب و منظم وجود دارد. اینها برای حفظ و بازسازی بناهای قدیمی خیلی همت دارند. خیلی چیزها در این جا مرا به یاد گیلان



اویدیه (مرکز استان فریولی در شمال ایتالیا)

گاهی برای شناخت خود نیازمند شناخت دیگران هستیم. اقوام زیادی در سرتاسر جهان پراکنده‌اند که موقعیت موجود آنها تحت شرایط وضوابط خاصی است که در آن زندگی می‌کنند. اقوامی که در کشورهای مختلف جهان بسرمه برند و دارای تاریخ و فرهنگ و زبان ویژه‌ای هستند، در عین حال که بخشی از ترکیب ملی کشور خویش را تشکیل می‌دهند به حفظ ویژگیهای قومی خود نیز سخت علاوه‌مندند. حتی در کشورهای پیش‌فرهنه اروپای غربی چون فرانسه، ایتالیا و انگلستان نیز این مسئله به قوت خود باقی است.

آن‌چه در زیر می‌خوانید شاهد مثالی است از کشور ایتالیا:

در طول و در عرض  
پیموده‌ام.

با عرق جیبینم،

همه حارا در جستجوی بخت  
زیر پا گذاشته‌ام.

آداب و رسوم تازه

وزبانی‌ای ناشناخته‌ای را

فرا گرفتم.

دریها و کوهها

و تپه‌های پوشیده از گل را  
دیده‌ام

اما روزی که

به سوی عشق دیرین خود «فریولی»  
بازگشتم.

دانستم که سرانجام  
گنجینه خود را یافته‌ام.

وقتی در خانه تنها هستی  
و در دلت برایم دعا می‌کنم

روح من در کنار تو خواهد بود

من و آن ستاره با تو خواهیم ماند.

\*

اما روزی که جنگ

خاطرۀ دوری بیش نیاشد

از قلب تو که جایگاه آن ستاره و عشق من بود

غمبا زدوده خواهد شد.

\*

و این ستاره که از خون من آبیاری شده

با من خواهد ماند،

زیرا تا ابد بیزیابی

بر فراز ایتالیا خواهد درخشید.

«گنجینه یک مهاجر»

Il tesaur diun emigrant

آلبرتو دروزا

سراسر جهان را

### ستاره‌های آلپ

Stelitus Alpinis

آرتورو زاردنی

اگر به اینجا بیایی، بین صخره‌ها،  
جایی که مرا به خاک سپرده‌ام،  
محوطه‌ای هست پر گل از ستاره‌های آلپ،  
که از خون من آبیاری شده‌است.

\*

به عنوان نشانه، صلیب کوچکی  
بر روی تخته سنگ کنده شده،  
بین این ستاره‌ها سبزه می‌روید  
و من آن زیر، در سکوت آرمیده‌ام.

\*

بچین، ستاره کوچکی را بچین،  
که یادگار عشق ماست،  
با لهیای لرزانت آن را بیوس،  
و در سینه‌ات پنهانش کن.

\*